هو العزیز

جلد اوّل

انشاء جدید

یا مجمع المراسلات من تألیف میرزا علیخان

تحریرات آقای میرزا مهدیخان دبیر خاقان

حق طبع محفوظ و مخصوص است

بجناب آقای آقا محمد مهدی غازی سعدی

چاپ ششم سنه ۱۳۴۵

اشتریت هذا الکتاب

۱۳۴۵



تقریظ

بسم الله الرحمن الرحیم

این کتاب مجمع المراسلات اگرچه مؤلف و نگارندهٔ آن زحمتی بر خود هموار کرده و یک سلسلهٔ مراسلاتی را برشتهٔ تحریر درآورده و از برای ایقاظ حق انشائی مبتدیان خدمتی بعالم معارف نموده است ولی نظر باینکه مؤلف محترم از سبک منشآت قدیمه صرف نظر نکرده و تا درجهٔ از طرز انشاء جدید یعنی وضع مکاتباتی که امروزه بین المترسلین متداول و معمول است دور افتاده و مورد اعتنا قرار نداده در حالتی که رعایت مقتضیات موقع و مراعات سلیقه و طریقهٔ عمومی بدستور ارباب خواص لازم است لهذا این بنده پارهٔ از عبارات آنرا ترمیم و تعدیل نموده و با طرز انشاء جدید توافق دادم اکنون این کتاب مورد استفادهٔ عمومی واقع و هرکس بسهولت میتواند از حسن عبارات آن مستفید و بهره ور گردد (العبد دبیر خاقان)

در القاب و عناوین

س — مردم بر چند صنفند؟

ج — مردم بر سه صنفند (۱) اعلیحضرت سلطان و حضرات ارباب دیوان (۲) علماء دین و امیان عظمی علماء قدسی بنیان (۳) تاجران و کاسبان و ضعفا و درویشان و هر یک از این اصناف دارای چند درجه اند

س — درجهٔ اول از صنف اول کیست و القاب او چیست

ج — درجهٔ اول از صنف اول کیست علیه سلطنت کبری و ولایت عظمی است و از القاب همایونشان اینست

اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی یا شهریاری خلد الله ملکه و سلطنته

س — در عنوان عریضه چه نوشته میشود

ج — قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت

س — از القاب حضرت اقدس چیست؟

ج — والاحضرت اقدس ولایت عهد دامت عظمته

س – عنوان عریضه حضرت اقدس چطور است

ج – عنوان عریضه بحضرت اقدس (قربان خاکپای مبارک
حضرت اقدست گردم یا قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم

س – درجه دویم از صنف اقی کیست و القاب او چه

ج – درجه دویم از صنف اقی وزرا اقی صدر اعظم – اتابک
اعظم – نایب السلطنه است و از القابشان اینست (بندگان حضرت اشرف
اجل اکرم افخم اعظم آقای اتابک اعظم یا صدر اعظم مدظله العالی و اگر در
حضرت صدارت عظمی شاهزاده که بهره باشد در القابشان و در القاب حضرت
والا یت مرتبت نایب السلطنه این را باید نوشت نواب مستطاب فلک جناب
حضرت اشرف ارفع اسعد امجد والا شاهزاده صدر اعظم یا اتابک اعظم
نایب السلطنه روحنا فداه دامت صدارته العظمی و یا دامت نیابته الکبری

س – عنوان عریضه بصدارت عظمی چیست ؟

ج – عنوان عریضه بصدارت عظمی و تصدق خاکپای مبارکت شوم

س – درجه سوم از صنف اقی کیانند – القابشان چه

ج – درجه سوم اقی امنای دولتند مراتب وزارت و تقرب درگاه
سلطنت را دارند مثل وزیر علوم – وزیر جنگ – وزیر امور خارجه –
وزیر گمرکات و غیرهم و از القاب ایشان اینست مثلاً در وزیر امور
خارجه بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای مشیر الدوله مدظله

س – عنوان عریضه با منای دولت از درجه سوم چطور است

ج – عنوان عریضه با منای دولت از درجه سوم این است
تصدق درگاه عالم پناهت شوم یا تصدق حضور مهر ظهور مبارکت گردم یا تصدقت شوم

س – درجه چهارم از صنف اقی کدامند و القابشان چطور

ج – درجه چهارم اقی آنانند که امارت نظامیه و یا امیر تومانی
و یا حکومت و لایتی را دارند و القابشان این است مثلاً بندگان حضرت مستطاب اجل

اکرم افخم آقای امیر نظام مدظله العالی و یا بندگان جناب فخامت نصاب
ذو القوة و الاحتشام امیر الامراء العظام آقای ساعد الملک مدظله العالی و هر یکی
از این درجات اگر شاهزادگی هم داشته باشد در اول القاب شان نواب مستطاب
ارفع امجد در جای حضرت مستطاب اجل گذاشته باقیش همان طور مجری دارند

س - عنوان عریضه بدرجه چهارم از صنف اول چطور است ؟

ج - عنوان عریضه بدرجه چهارم از صنف اول تصدق حضور مبارکت شوم

س - عنوان عریضه بوزیر مختار و امثال او چطور است ؟

ج - عنوان عریضه بوزیر مختار و سفرای کبرای از داخله و خارجه اینست
بحضور معدلت دستور بندگان جناب فخامت نصاب جنرال قونسول دولت
قوی شوکت - ایران - دولت بهیه روس - دولت فخیمه انگلیس مقیم فلان بلد دام اجلاله العالی

س - در سفیر دولت عثمانی عنوان عریضه چطور است

ج - در سفیر کبیر دولت قوی شوکت عثمانی عنوان عریضه این است

بحضور معدلت دستور بندگان جناب شوکت مآب انتساب بیک
شهبندر دولت قوی شوکت عثمانی مقیم فلان شهر دام اجلاله العالی

س - القاب شاهزادگان عظام چطور است و عنوان عریضه ایشان چطور

ج - القاب شاهزادگان فخام موقوف بمراتب شأن ایشانست اگر
متشخص تر باشند نواب مستطاب اشرف ارفع اسعد امجد والا فلان میرزا روحی فداه یا
دام اجلاله العالی و عنوان عریضه با و نیز نسبت بشأنش قربان حضور مبارکت شوم
و اگر از سایر شاهزادگان مانند نواب ارفع امجد افخم الا روحی فداه یا دام اجلاله العالی

س - القاب شاهزاده خانمها که شرف تشخص را هم داشته باشد چطور است

ج - القاب شاهزاده خانمها که شرف تشخص را دارند این است
نواب مستطاب علیه عالیه فلانه خانم دام اجلاله العالی

س - القاب سایر خانمها که شرف اختصاص را دارند اینست سمن برج
طهارت گوهر درج خدارت علیه عالیه فلانه خانم دامت عظمتها العالیه

یا قمر نقاب خورشید احتجاب فلانه خانم دامت عفتها یا عظمتها العلیا

س - القاب مستوفیان عظام و عنوان عریضه با ایشان چطور است

ج - القاب مستوفیان عظام و منشیان فخام هر یک فراخور شان و رتبه ایشان است مثلاً در مشیر نظام و وزیر مالیه بندگان جناب مستطاب فخامت نصاب جلالتمآب اجل آقای فلان دام جلاله العالی و عنوان عریضه با ایشان قربان حضور مبارکت شوم و سایر منشیان را جناب جلالتمآب آقای فلان سررشته دام مجده

س - درجهٔ پنجم از ملازمان دربار سلطانی

ج - درجهٔ پنجم از ملازمان دربار سلطانی میرپنجه و سرتیپ و این قبیل اشخاصند و القابشان این است بندگان امیر الامراء العظام سرکار شوکتمدار آقای فلان میرپنجه یا سرتیپ دام مجده العالی

س - عنوان عریضه سرباز بدرجهٔ پنجم چطور است

ج - عنوان عریضه سرباز بدرجهٔ پنجم تصدقت شوم

س - درجهٔ ششم از ملازمان دربار شاهی کیانند و القاب آنان چطور است

ج - درجهٔ ششم از ملازمان دربار شاهی رؤسای ادارات دولتی منشعب از وزارتخانه‌ها میباشند از قبیل رئیس نظمیه و بلدیه و غیره عنوان مقام محترم ریاست دائرهٔ فلان القاب ایشان جناب مستطاب عالی یا حضرتعالی

س - اگر یکی از این طبقات سید باشد القاب ایشان چطور است

ج - اگر یکی از این طبقات سید باشند در القاب ایشان یکی از این عبارات را باید افزود و تضمین کرد نسل السادات العظام و نجل النجباء الکرام یا سلیل السادات الاطیاب و سلالة الانجاب یا سید الحسیب و النسیب النجیب آقای آقا سید فلان

س - القاب علماء سایر ملل چطور است

ج - القاب علماء سایر ملل اگر خلیفه آفاقی باشد این است جناب کیاست دستگاه و جلالت اکتناه مروج الطریقة المسیحیة عالم المعالم الروحانیة الخلیفة العظمی دامت عزته و القاب نائب و گماشته خلیفه اعظم که سایر کشیشانند

این است جناب پناهت دستگاه عمدة العلماء المسیحیه عالم المعالم الرسائل

س. — صنف سیم از مردمان کیانند والقابشان چیست ؟

ج — صنف سیم از مردم حضرات تجار وکسبه اند والقابشان هم نسبت بمراتب و شأن ایشان است مثلاً به تجار صاحب شأن و مراتب جناب مستطاب عمدة الاعاظم والاعیان معتمد السلطان حاجی فلان لا دام مجده العالی

— به تجار متعارف این القاب مناسب است جناب عمدة الاعاظم والاشراف و زبدة الافاخم والتجار حاجی فلان آقا تاجر اصفهانی زیدت عزته و بتجار پائین مرتبه جناب عمدة التجار اشرف الحاج حاجی فلان تاجر یزدی و بسایر اصناف عالیحضرت ستوده خصلت مشهدی فلان — خیر الزائرین کربلائی فلان

س — از عناوین مکاتیب حستانه به عشایر و بیگانه چه میدانند

ج — از عناوین مکاتیب حستانه بعشایر و بیگانه این است مثلاً بپدر قبله گاها خداوندگارا امیدگاها ولی نعمت معظم من

بمادر می نویسند قبله گاهی معظمه والده مکرمه ام حضرت علیه عالیه مطاعه معظمه (بعمو و خالو) قبله گاها خدایگانا جعلت فداک فداک یا فدائکم روحی و جسمی (ببرادر بزرگ) مطاعا مکرما قربانت شوم امیدگاها

(ببرادر کوچکتر) برادر عزیز من ارجمندا نور دیده من (بخواهر) خواهر معظمه محترمه من همشیره مهربانا عزیز مکرمه ام (به پسر خود و پسر خواهر و برادر) پور خشما عزیزا نور دیده من (به نوکر) عالیجاه مجدت همراه فلان خان را مقرر میدارد عالیجاه عزت همراه فلان بیگ را اظهار میدارد (بدوستان بزرگتر از خود) مطاعا معظما قربانت شوم (بدوستان معادل خود) مخدوم مکرم مشفق معظم رفیق شفیق من فدایت شوم

(بدوستان کوچکتر) دوستا عزیزا مشفقا شفیقا عرض میشود

و در زنان لازم است حاجی و مشهدی و کربلائی را بصیغه تأنیث بدل کنند مثلاً حاجیه و مشهدیه و کربلائیه هاجر خانم دامت عفتها

س - صنف دویم از اصناف محوم کیانند و القابشان چیست

ج - صنف دویم از اصناف محوم حضرات علماء و ساداتند

والقابشان بنسبت بفراخور مراتب علم و شأن ایشان است

س - القاب مجتهد جامع الشرایط که مقلد و مقبول عموم باشد چطور است

ج - القاب مجتهد جامع الشرایط که مقلد و مقبول عموم باشد این است

حضرت مستطاب کهف الملة والدین غیاث الاسلام والمسلمین آیة الله فی العالمین

آقای فلان آقا مدظله یا کهف الارامل والایتام مروج الاحکام مرجع دین الاسلام

فلان آقا مدظله یا قدوة الانام مرجع الخاص والعام کهف الارامل والایتام

فخر المجتهدین والمحققین آقای فلان ادام الله ایام افاضاته

س - عنوان عریضه بمجتهدین چطور است ؟

ج - عنوان عریضه بمجتهدین بعرض مقدس حضرت مستطاب ملاذ المعزة و الفقرا

وکهف الارامل والضعفاء آقای فلان آقا (یا ملاذ الانام) یا قدوة الاسلام والاسلامیان پناها

س - القاب علماء قریب باجتهاد و امثال ایشان چطور است

القاب - القاب علماء قریب باجتهاد و امثال ایشان اینست (جناب

مستطاب عمدة العلماء العظام و زبدة الفقهاء الکرام) یا اعلم العلماء العاملین

و افضل الفضلاء الکاملین آقای فلان آقا دامت فیوضاته (جناب مستطاب

شریعتمآب قدسی و قدوسی انتساب) یا اورع المتاهلین واتقی المتقین آقای فلان

پیشنماز فلان محله دامت افاضاته جناب فضایل و فواضل آداب فطانت

و فراست انتساب آقا میرزا فلان مدرس فلان مدرسه (جناب افصح المتکلمین

و ابلغ الواعظین آقا فلان واعظ سلمه الله تعالی

(القاب بعضی بلاد و اتباع آنها را بدین قسم نویسند)

تبریز - اصفهان - قزوین را دار السلطنه نویسند طهران را دار الخلافه قم را

دار المؤمنین شیراز را دار العلم ارومی را دار النشاط خوی را دار الصفا

مرند و اهر و سراب و امثال اینها را قصبه و مایلند و اصفهان و امثال

انهار را قصبه و قریه) مصر را قاهره اسلامبول را علیه تفلیس را دار السرور.
ایروان و نخچوان را بلده نجف اشرف را مشهد یا علیه عالیه کربلای معلی را
علیه عالیه خراسان را مشهد یا ارض اقدس

(القاب اشیاء که منشی را بکار آید)

حیوانات آدم و شتر و ذنان را نفر اسب الاغ را راس فیل را هر لطه
یا زنجیر کبک و مرغهای ماکول را قطعه تازی و توله شکاری را رأس
البسه — عمامه و شال و چادرشب را طاقه عرقچین و همه نوع کلاه را فرد عبا و
سرداری را توب (سلاح) توپ را عراده و سایر حربهای باروتی را
لوله شمشیر و غیره را قبضه (اشیاء مختلفه) درخت و نهال را
اصله باغ و باغچه و حیاط و زمین بیاض را کاغذ را ورق و بند و
سماور را دستگاه نعلبکی را و رختخواب و آفتابه لگن و لباس را
و کشتی را فروند و قاشق و کاغذ را دسته نویسند

عریضه جات

بپدر و برادر بزرگ خود

قربانت گردم مرقومه مبارکه که بمباهات و افتخار چاکر مرقوم و ارسال فرموده بودید
بزیارتش نایل و موجبات مزید تشکر و امتنان فراهم گردید نظر بعواطف کریمانه از احوال
اشتغالات چاکر استفسار فرموده بودید بحمد الله مزاجاً سلامت و روزگار را بامر تحصیل صرف
مینمایم تحریر این عریضه بخط خود بر صدق عرض چاکر گواهی صادق است منتظر بذل مرحمت
از طرف حضرت عالی هستم تا چه کند همت والای تو

(بعمو و پسر عموی بزرگتر از خود)

قربانت گردم امید وارم که همواره اوقات وجود محترم عالی با مزید سعادت و سلامت توام
بوده باشد چنانکه از راه لطف و بنده نوازی مستفسر احوالات بنده بوده باشید بحمد الله از تفضلات
غیر متناهی الهی امورات بر وفق دلخواه و پیوسته بذکر اوصاف حمیده و اخلاق پسندیده و تقدیم
ادعیه خیریه آن وجود محترم اشتغال داشته فقط نگرانی خاطر از محرومی فیض حضور عالی و مهجوری از درک
دیدار آن خانواده محترم است و رجای واثق آنکه بحصول این نعمت موفقیت حاصل نمایم زیاده جسارت است

رقعهٔ فرزند بپدر خود

قبله‌گاها اولاً پیوسته از درگاه احدیت جلت عظمته این بنده را مسئلت است
که وجود مبارک از کافه آلام و اسقام محفوظ و محروس و از تصادف با هرگونه حوادث
منتظره مصون بوده باشد چنانچه لطف عمیم مقتضی پرسش حال بنده دعاگو شود الحمد لله والمنه
سلامتی حاصل و کسالت مزاجی در میان نیست مگر بی‌نصیبی از فیض حضور آن قبله‌گاه مکرم امیدوارم
خداوند نیز آن نعمت عظمی را روزی فرماید از گذارشات خواسته باشید
در خدمت معلم مشغول خواندن کتاب خلاصه الانشات میباشم زیاده جسارت است

(ایضاً رقعه فرزند بپدر)

خداوندگارا عمده مطالب و اهم مقاصد سلامتی وجود آن خداوندگار است
هرگاه بر لطف و مراحم از حالات این چاکر جویا باشید بحمدالله از توجهات
رئوفانه جناب معلم باشی از اطاق درجه اول بدرجه دوم خواهم رفت و امروز
یا فردا مرخص خواهم شد و الحق آقای مدیر و خان ناظم تمام سفارشات که
بنای راحت و آسایش و درس خواندن بنده بعمل میآید بکمال تشکر و امتنان را دارم

۱- درخواست ۲- تمامی ۳- دردها ۴- بزرگ ۵- مهربانه ۶- پایه

بپدر مینویسند

تصدقت گردم اولاً اهم مسئول و عمده مأمول سلامتی مزاج کثیر الابتهاج عالی است
امیدوارم که همواره در وجود مبارک مسرت و خرمی موجود باشد چنانچه در مقام
استفسار حال چاکر بوده باشید الحمد لله والمنه کسالتی صورت وقوع نداده مگر
حرمان از فیض حضور آن مخدوم مهربان با آنکه پست وارد و تعلیقه مهر طلیعه
سامی روشنائی بخش مهر و دیده گردید خوشحالی فزون از حد و شمار بچاکر
دست داده و بادای شکر از سلامتی وجود مبارک قیام نمود

(بعمو و دائی مینویسند)

قربانت گردم همواره آرزومند ملاقات و دعاگوی وجود مبارک معلوم خیریت
آیاتت چنانچه برحسب عطوفت و رأفت نظری بدین ذره افتاده بهجران کشیده فراموش خواهید
دانست که پیش از اینم تاب دوری و طاقت مهجوری نباشد مستدعی چنانست که هر کلمه
مرقوم فرموده از برای داعی مرخصی حاصل فرمائید که موقتاً بشرفیابی حضور مبارک نائل و بپای بوس
واصل گردد و چند روزی از فیض دیدار حضرتعالی و اعمام و اخوان احوال مستفیض گردم

۱- لازمتر ۲- آنچه تکیه نماند ۳- مهربانی ۴- مهری ۵- جمیع عمو

بعمو و دائی و جد

فدایت شوم دیر لیست از آگاهی حالات خیریت علامات خجسته صفحات اطلاع حاصل نبوده از اینجهت بسیار آشفته و پریشان و روز و شب اندیشناک و حیران بودم تا در این ایام یکی از ملازمان سامی که بعنوان ماموریت باین سامان تشریف آورده بودند وارد و مژده سلامتی وجود مبارک را اظهار داشت بسیار مشعوف گردیدم و تعلیقه که ببنده فرازی مخلص مرقوم فرموده بودید رسید و از مضمونش اطلاع حاصل نموده دستخطی که مرقوم فرموده بودید ترتیب داده شد

(به پسر عمو و پسر دائی و پسر خاله بزرگتر از خود)

بشرف عرض عالی میرساند مدتی گذشت دیده و عهدیست بنهایت بعید که از جانب آنخداوندگاری با ظهار لطفی خورسند و بیادآوری بهره مندی حاصل نکرده اید خدا کند که بجز فراموشی سبب دیگر نبوده مشغله جهتی نداشته باشد باری الیوم که زمان تحریر و هشتم شهر رمضان المبارک میباشد چاکر عازم بودم لازم دانسته خود بعد و کلمه یادآوری خاطر مهر مآثر بدارم تا از جمله محو شدگان نبوده باشم اگر چنانچه از حالات اهل بیت چاکر جویا باشید الله الحمد بصحت بدن موجود و همگی بعرض سلام و دعاگوئی مصدع میباشند

۱- برخوردار ۲- مبارک ۳- چاکران نم ۴- خوشحال ۵- دراز ۶- ...

(به پسر خاله و پسر عمه بزرگتر از خود)

صاحبا خداوندگارا تعلیقه فیض طلیعه مبارکه که در بهترین وقتی شرف وصول ارزانی داشت از زیارتش چشمی را سروری و دیده را نوری حاصل شد پس از اطلاع بر مضامین فرخنده آئینش که حاکی از صحت سلامتی آنخداوندگاری بود کمال انبساط و استبشار روی نمود بعد از حالات و گذارشات بهمان قرار است که در شهر قبل بعرض رسانید علی العجاله خود مزاجاً سالم و مشغول بحمد و شکرگذاری میباشم اخوان و اخوات بعرض سلام مصدع میباشند زیاده عرض ندارم

(از طرف فرزند بمادر)

قربان و تصدقت شوم رقیمه شریفه که حاکی از اظهار مرحمت نسبت باین بنده و مشعر استقامت وجود ملاطفت نمود حضرت علیه بود زیارت و مسرت بخش خاطر گردید و موجبات شکرگذاری را فراهم داشت حالت بنده هم سلامت و بدعای وجود مبارک اشتغال دارم نظر بجدیتی که بنده در امر تحصیل دارم بدیهی است با عطای انعام و خلعت بنده و معلم را سرافراز خواهید فرمود

۱- جمع مضمون ۲- شادی ۳- اکنون

بعمو و دائی مینویسند

فدایت شوم هواللّه از دربار عاطفت آثار کردگار بقای عمر دوام وجود سرکار را خواستارم چنانچه بنابر شیوهٔ حمیده بنده نوازی و ذره پروری جویای مخلص باشید کسالت مزاجی صورت وقوع نداشته و همچنین سایر منسوبان و آشنایان بسلامت میباشند مگر رنج مفارقت حضرتعالی که بی نهایت بارگرانی است که تحمل آن دشوار است همیشه از حضرت رب العالمین مسئلت مینمایم که بزودی لقای مبارک را به نیکوترین وجهی روزی فرماید چندین عریضه بخط خود بحضور مبارک عرض نمودم ولیکن کماکان سابق تحسین خط بنده را النفسه میدید ناچار عرض ندارم

(ایضاً رقعهٔ فرزند بمادر خود)

صاحبه مکرمه خانم والده دامت عفتها قربانت گردم هواللّه از روی خلوص نیت و صمیمیت پیدا است و سلامت وجود مبارک آن والده محترمه را از خداوند مسئلت مینماید چنانچه نظر بر اسم عواطف قلبی استعلام و استفسار از احوال و گذارشات بنده بفرمائید بحمدالله والمنه صحیح و سلامتی مزاج حاصل و همه روزه مرتباً بنا بر اراده تامه جهت تعلیم در مدرسه حاضر و با کمال جد و جهد مشغول تحصیل و مذاکرات علمی میباشم

۱- مهربانه کردن ۲- روشن ۴- اقوام ۵- برداشتن ۶- بزرگ ۷- گرامی شده

ایضاً رقعهٔ فرزند بمادر

فدایت شوم دیری است از کماهی حالات خجسته آیات آن عفت پناه خدارت دستگاه اطلاع صحیح حاصل نبود و از این مطلب خیلی مغشوش الحال بوده بحدی که امورات درس و مشقم مختل و کار و بار تحصیلم معوق و معطل مانده بود تا در این ایام تعلیقه شریفه مع انعامانیکه لطف فرموده بودید شرف وصول بخشید کمال خورسندی و خوشحالی و از مسرت خوشدل و خرم گردیدم جزاک الله خیراً اگرچه فقط نامه سلامتی آن مخدره تسکین بسیر انعامی بود که بجا کرسید لیکن انعام هم بجنبه چاکر بر رسم خلعت مرحمت شده بمفاد نور علی نور باعث افتخار و سرافرازی این خاکسار گردید

بخاله خود مینویسند

فدایت شوم هواللّه از حضرت یزدان پروردگار سبحان سلامتی آن مکرمه معظمه را خواستارم میباشم هرگاه از فرط بنده نوازی در صدد احوال پرسی اینجانب برآئید مزاجاً سالم و گذارشات بقراریست که در هفته گذشته بعرض رسانیده صورت اشیائیکه خواسته بودید بعضی از آنها را خریده و با پست هفته گذشته ارسال شده و باقی را هم با چاپار هفته آینده ارسال میشود البته خاطر باشید

۱- مدتی است ۲- عقب افتاده ۳- زیادی

ایضاً بخاله مینویسند

بعرض میرساند بحضور فرخنده ظهور علیا مکرمه خدارت مآب عفت[1] نصاب دامت حذارتها امید است هموالا آن وجود مقدسه در ظل عطوفت[2] حضرت باریتعالی عزّ اسمه و جلّ شانه محفوظ و محروس بوده باشد[3] چنانچه مهربانی[4] ذاتی که از خصایص آن خصایل حمیده و اخلاق پسندیده است با استحضار احوال چاکر برآئید لله الحمد و المنّه موهبت[5] عطای حضرت سبحان که صحت امزجه و ابدان است موجود و ابواب کدرات از هر جهت مسدود[6] است مکرر از فیض آن ذات مقدسه امید است که آن نیز به نیکوترین وجهی رخ دهد والسلام

بپدر و مادر و امثال آنها مینویسند

جبلت فداکت مکتوب مرحمت اسلوب بعین[7] تعلیقه رفیعه در بیستم شهر حال واصل و از مضامینش اطلاع کامل حاصل شد و از سلامتی حالات سرکار و متعلقین مستحضر و مستبشر گردید جزاک الله افضل الجزاء باری شرحی که مرقوم فرموده بودید در خصوص پاکت علیحده او را بصاحبش رسانیده و جوابش گرفته لفاً ارسال مینمائیم انشاءالله عرض ادب برسانید عرض ندارم

۱- پاک دامنی ۲- مهربانی ۳- پاینده ۴- مخصوص ۵- بخشیدن ۶- بسته ۷- طرز

بعمه و خاله و همشیره بزرگ مینویسند

بعرض میرساند هموالا وجود مبارک آن عاقله حمیده[1] کامله در حفظ و حمایت حضرت باریتعالی از تکدر و تأثرات ایام بری و عاری بوده باشد[2] مدت مدیدی میگذرد که از گذارشات فرخنده علامات اطلاعی ندارم چنانم از یاد مبارک فراموش فرموده‌اید که کاهی هرگز در عالم حیاتم نمی‌پندارید یا در عداد مردگانم می‌انگارید نمیدانید تغییر حواسی یا تبدیل اساسی[3] یا مخلص را چون دیگران قیاسی فرموده‌اید[4] همانا از فراموشی است امیدوارم که پس از این کماکان فی السابق احوال خود را مینگارید و بذل مرحمت فرمائید زیاده عرضی ندارم

(ایضاً بهمشیره بزرگ)

فدایت شوم چندیست که از حالات مبارکه خبری ندارم والی الحال چندین عریضه عرض نموده‌ام و بجواب هیچیک نائل نگردیده‌ام تقریباً این عریضه دهم میباشد که مشغول نوشتن هستم امید است که در جواب این عریضه چاکر حقوق مسامحه[5] نفرمائید که اگر از این بعد در جواب مسامحه کنید اسباب دلتنگی چاکر است خدمت سرکار خانم باباجان و میرزا یوسف عرض اخلاص کیشی میرساند

۱- پسندیده ۲- دور ۳- مبارک ۴- زیادی ۵- غفلت

بدختر عمو و دختر دائی و دختر خاله مینویسند

عرض میشود اولاً امید است که همیشه اوقات آن همشیره مکرمه در کمال فرح و سرور و بشاشت موفور[1] خورسند و مسرور بوده باشند ضمناً عرض میشود که از تفضیل این سامان خواسته بودید اینجانب بحمدالله از مرحمت بی پایان خداوندی و از تفقدات[2] شما همواره قرین خورسندی میباشم اولاً جدائی و دوری را فشار کی از اقارب و اولو الارحام را امید است در این امر نیز سرانجام شار کاری حاصل کرده خدمت آقای میرزا اسمعیل خان و حاجی نصرالله و فتح الله خان و میرزا اسدالله و میرزا فرج الله و محمد کاظم عرض سلام میرسانند عرضی ندارم

(ایضاً)

بعرض علیا[3] جناب عصمت مآب خدارت انتساب[4] همشیره مکرمه مفخمه دامت عفتها میرساند که اولاً همواره آرزومند است که در ظل عطوفت[5] و پرورش آن مخدره ارجمند سرافراز و سربلند باشد چنانچه اگر از آنطرف الطاف کم لطفی و بیمرحمتی شود این کمترین دست از بندگی خود نسبت بآن ذات محترمه نخواهد داشت البته حقوق قرابت[6] را بابیاد وسوی مضمحل[7] نخواهد ساخت اسدالله خان و میرزا رفیع خان عرض سلام ارادت میرسانند

۱- زیاد ۲- مهربانی ۳- بلندمرتبه ۴- نسبت ۵- مهربانی ۶- خویشی ۷- برطرف

به پدر و مادر و امثال آنها

تصدق حضور مبارکت شوم   چون در این اوقات در این ایام فرخنده ساعات که آفتاب علم و معرفت تابان و از پرتو اشعه آن جهل[1] و ظلمت گریز آمیخته دبستان[2] و دبستانها چنین بنفشه که در جویبار بستان چمیده بودند در این زمان چنین نیلوفر سرکش با چنار و شمشاد لاف همسری زنند پا بدرجه ترقی گذارده و از اسلاف[3] خرد کوی دانش و بینش بربایند این بندگان نیز از اولیای[4] کرام خویش از پیش مقر صدهمراهی را دارند امید داریم که بتائید حضرت منان گوی سعادت ابدی را دربائیم

(ایضاً)

فدایت شوم   همواره اوقات در پناه حضرت واجب الوجود جلت عظمته مصون از آلام و اسقام و محفوظ و محروس از حوادث گردش ایام بوده و خواهید بود بعدها تعلیقه رقیمه مبارکه در بهترین وقتی از اوقات و خوشترین ساعتی از ساعات شرف وصول ارزانی داشت از مضمونش که مشحون از ذکر سلامتی حضرتعالی و متعلقین مبرهن بود بکمال فرح[5] و انبساط[6] فوق العاده رخ نمود نیز سلامتی وجود شریف را طالب است

۱- نادانی ۲- مکتب ۳- پیشینیان ۴- بزرگان ۵- سرور ۶- شادی

ایضاً بپدر و امثال آنها

قربان حضور مبارکت شوم مدتیست مدید و عهدیست بغایت بعید در تحیرات
نهایت شدید که از صاحبان کرام و قبله گاهان والامقام اظهار لطف و مرحمتی در باب
این کمترین چاکر بظهور نرسیده و هرگز این نوع کم لطفی را از آن خداوندگار این نسبت
بخود تصور نمینمودم اگرچه انسان در هر حال منشأ[1] خطا و نسیان[2] است ولیکن
خطائی که قابل غفران نباشد در خود گمان نمیرفت علی ای حال[3] العذر عند کرام
الناس مقبول زیاده از این جسارت نمیورزد و مستدعی عفو و اغماض[4] است

(ایضاً بپدر)

روحی فداک چندی دیرگاهی بود که بهیچوجه چاکر را یاد و به پیامی دلشاد
نفرمودید در مقام گله مندی عریضه نگار شدم چند کلمه از مفارقت و رنج
جدائی خود نگاشت مضمون شعری که در یکی از غزلیات است بدین عنوان است
کو پیک صبح تا گله های شب فراق با آن خجسته "" فرخنده پی کنم
ولیکن بعد معلوم شد که جنابعالی در این خصوص تقصیری نبوده از این جسارت عذر میخواهم

۱- محل بیرون ۲- فراموشی ۳- در هر حال ۴- چشم پوشیده

از طرف پدر بفرزند

قرة عینی و ثمرة فؤادی امیدوارست که از کافّه[1] الآلام و اسقام در حفظ و حراست خداوند
متعال و پروردگار ذوالجلال محفوظ و در ظل عاطفت[2] ائمه هداة صلوات الله علیهم مصون
و محفوظ بوده باشید چنانچه جویای گزارشات این سامان بوده باشید بطریقی است که با
پست هفته گذشته نگاشته گردید در این روزها جمعی از همشهریها در کرمانشاهان داعیه
خیال تشرف عتبات عالیات را دارند احتمال داده که در اینجا بنده با آقایان
همراهی نمایم خدمت میرزا سلیمان بعرض ارادت مصدع میباشم

(ایضاً)

نور چشما عزیزا همواره اوقات در حفظ قادر ذوالجلال از آفات ایام[3] و اختلال[4]
احوال محفوظ بوده باشید چنانچه از حالات خواسته باشید الیوم که هستیم
بهر حال و زمان تحریر است در آستان عرش نشان حضرت ثامن الائمه علیه
آلاف التحیة و الثنا مشغول بدعاگوئی حضرتتان میباشم انشاءالله تعالی بعد از
چند روز دیگر عزیمت حرکت و خیال مرخص شدن از آستان مبارک دارم
دانسته باشید حشمت الله خان و رجبعلی بیک را بعرض سلام مصدع میباشم

۱- جمع ۲- مهربانی ۳- روزها ۴- پریشانی ۵- نوشتن ۶- هستم ۷- هرگاه ۸- درود

از طرف پدر بفرزند خود

نور چشمان محترم علی اصغر و ابو القاسم و احمد آقا امید است که همواره قرین خرمی و خورسندی بوده باشید از احوالات خواسته باشید سلامتی حاصل است و نگرانی نیست امروز که سیم شهر شوال المکرم است از نیشابور بسمت طهران حرکت نموده چند روزی در سبزوار اقامت مینمایم تا برات تلگرافی از شما برسد و محتمل است که تا سلخ شوال یا غره ذیقعده در آنجا متوقف شوم دوستان را بعرض اخلاص مصدع میباشم مخصوصاً آقا میرزا فتح الله را زیاده عرض ندارم

(ایضاً)

نور چشم عزیزم انشاء الله تعالی قرین صحت و هم آغوش عافیت بوده باشد نگرانی نیست و الیوم که نوزدهم شهر رمضان المبارک میباشد در ارض قدسی در آستانه مبارکه حضرت رضوی علیه الصلوات و السلام مشغول بدعاگوئی میباشم و الحمد الله از هر جهة اسباب استراحت موجود و تکدری صورت وقوع ندارد بجز دوری و مهجوری از ملاقات شماست امید است که بعد از تکمیل مقصد انشاء الله نیز با حسن وجه میسر و مرزوق گردد جناب فضل الله و کربلائی سیف الله را بعرض دعا و سلام میرسانم

۱- آخر ماه ۲- ساکن ۳- رحمت دهنده ۴- زمین ۵- پاکیزه تر

از پدر بفرزند

فرزند ارجمندا همواره بسلامت و عین عافیت قرین بوده باشید و از آفات ارضی و سماوی محفوظ و محروس باشید بعد از طی مراسم عطوفت مهربانی ابلاغ میدارد که مراسله شما بتوسط پست مقرره رسید و از مضمونش مطلع شده چنین حالی که از سلامتی شما بوده کمال خوشحالی و مسرت دست داد چنانچه مستفسر حالات باشید لله الحمد نعمت صحت موجود و الا صورت وقوع ندارد مگر از مفارقت فیض حضور شماست امید است که این نعمت نیز عنقریب ارزانی گردد و بتحقق مجدد آله بازی در خصوص عبا نوشته بودید در طاقه عبای خوب خریده و بهمراهی آقا زیاده مطلبی ندارد

(ایضاً)

قرة عینا انشاء الله همیشه اوقات در پناه عاطفت حضرت قاضی الحاجات محفوظ و از آفات لیلی و نهار محروس بوده باشید الحمد لله و المنه سلامتی موجود و کسالتی صورت وقوع ندارد مگر جدائی از فیض خدمت شماست یقولون ان الموت صعب علی الفتی مفارقة الاحباب و الله اصعب دوستان امید است که بعد از رسیدن بمطلب حقیقی دریافته و درک فیض خدمت دوستان نموده زیاده مطلبی ندارم

۱- سلامتی ۲- زمینی ۳- آسمانی ۴- دائمی ۵- واقع شدن ۶- روشنی ۷- چشم ۸- شب ۹- روز

ایضاً از پدر بفرزند

اعزاز ارجمند کامکار انشاء الله سلامتی مزاج شما بردوام و برقرار است و کیفیتی صورت وقوع نداد و ضمناً ابلاغ میشود که نمیدانم برات یکصد تومان ارسال داشتید یا خیر و در رسیدن این نوشته ثانوی فوراً کارسازی و ارسال نمائید والّا در اینجا بجهة امورات زندگانی محتاج باستقراض[۱] خواهم گردید و محمد حسن بیک هم سه روز قبل از اینجا حرکت نموده و بعضی چیزها هم برای شما گرفته و ارسال کردم از ایشان دریافت نمائید و صورت اشیاء بقرار ذیل[۲] است

(ایضاً)

ثمرة[۳] فؤادا[۴] مدتی است که از احوالات شما خبری ندارم و در سه هفته است که مکتوبی از شما نرسیده است و سبب را نمیدانم انشاء الله جز مشغله جهتی نخواهد داشت البته در ارسال مکاتبات مسامحه[۵] نورزیده که باعث تشویش و نگرانی اینجانب نباشد آری دانسته باشید که چون عالیجاه آقا میرزا عبد الحمید عازم بودند دو توب عبای نخی با چهار توپ پارچه که مناسب لباس مردانه بود ارسال شد دریافت نمائید و آقا میرزا کاظم خان و میرزا ابوتراب خان را نیز عرض سلام مصدّعم والسلام

۱- قرض کردن ۲- زیر ۳- میوه ۴- دل ۵- عقب انداختن

ایضاً از پدر بفرزند

عزیز الوجودا امیدوار چنانست که آن عزیز ارجمند با سایر متعلقان و بستگان از جمیع آلام[۱] و آفات در ظلّ حمایت باری تعالی عزّ اسمه و جلّ شأنه محفوظ بوده باشند در سه هفته بود که از شما کاغذی نرسیده بود از این مسئله بکلّی دلتنگی و نگرانی داشتم تا اینکه تلگرافی با مضای شما بجناب آقای معاون رسیده از این جهة قدری تسکین خاطری حاصل گردیده اند که رفع تشویش شد البته در کاغذ نوشتن دریغ نفرمائید عجالة تا مطلبی ندارم

(ایضاً)

فرزند ارجمند مهربان اولاً مسئلت[۲] از حضرت باری سلامتی آن نور چشمان است ثانیاً مورّخه بیستم شهر جمادی الاولی پاکت آن نور چشم گرام رسید چون مضمونش مشعر[۳] بر سلامتی آن نور چشم و متعلقین بود کمال فرح[۴] و خورسندی حاصل گردید در خصوص مسافرت جناب مستطاب حاجی میرزا عبد الرحیم مرقوم داشته بودید مطلع شدم نمیدانم در خصوص یک رأس اسب خود چه کردید آیا آنرا فروختند یا با خود بردند این مطلب را هم مرقوم نمائید زیاده مطلبی ندارم

۱- درد ۲- خواستن ۳- آگاه کننده ۴- خوشحالی

ایضاً از پدر بفرزند

نور چشمان مکرمان آرزوئی جز دیدار و سلامتی آن دو نهال برومند[1]
که محبّت مهر پیوند در خاطر ندارم نمیدانم چه رخ داده که شما هر دو بهم پیوند یکدیگر در
انتظار بر سوی ما گشاده و ابواب[2] مراسلات را بر روی ما بسته اید یا اینکه با یکدیگر عهد
بسته اید که در خستن[3] خاطر این پیر خسته اقدامات برادرانه بنمائید آفرین بر شما باد

(ایضاً از پدر بفرزند)

حمیده خصالا دیری است که از حالات خجسته فعالت خبری ندارم هیچ
خبر نبودم که فرزندم با بدان پیوند و در راستی و صفا بر روی پدر ببندد و بیگانه را
با خویش بپسندد همانا است که نصیحت بزرگان را در گوش نکردی و پند پیران را فراموش
نمودی مگر نخوانده یا نشنیده پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد
سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد جناب شیخ
ابو القاسم را بعرض سلام مصدّع هستم

۱- بزرگ ۲- درها ۳- آزار کردن

ایضاً از پدر بفرزند

فرزند عزیز والاشان همواره وجودت محفوظ و خاطرت محظوظ[1] باد اگر از
احوالات بخواهید صورت ساخته پیر کنعان را در مفارقت فرزند دلبند
ملاحظه کن تا دریافت حالات این خسته مبتلای فراق[2] و بسته دام اشتیاق[3] خواهید
نمود بیان مختصر از مطوّل[4] و نتیجه با حصول اینکه از زمانی که این فرزند دلبند مهاجر
نموده پیش آمدهای زمان و حرکات بیقاعده ملازمان و خیانت کارهای ناگوار
خدمتکاران ذائقه[5] مرا از چشیدن طعمهای گوناگون و شربتهای ذی فنون منصرف نموده
جعفرقلی و کربلائی قنبر و میرزا ابوالفتح و اسدالله را سلام برسانید

(ایضاً)

فرزند دلبند خاطرم فکار و دوچار غم و مبتلای فرقت میباشد جز مهر بانت هیچ
نه پیوند و بجز دیدارت بچیزی خورسند نبود و مدّتی است رفته و خطی نفرستاده از
این رهگذر در آسایش و راحت نه بر خود تنها بلکه بر تمام اهل خانه بسته شده همانا فقط
جدائی تو برپا است تا پای خدمت اسکندرخان بعرض ارادت مصدّع هم

۱- بهره مند ۲- دوری ۳- آرزو ۴- دراز ۵- قوه چشنده

ایضاً پدر بفرزند

عالی جنابا رقیمهٔ شما در مورخهٔ بیستم شهر ذیقعدة الحرام بعد از انفتاح[1] و ملاحظهٔ مضامینش از سلامتی شما و نور چشمی میرزا حسینخان بسیار خوشحال شدم بعد آنچه مرقوم فرموده اید که پس از فراغت[2] از تحصیل علم ریاضی و هندسه در کلاس[3] نقاشی داخل شده اید خیلی خوش وقت شدم البته در مشق نقاشی اهتمام نمائید که صنعتی است مهم و عملی است لازم البته کوتاهی نکنید

(ایضاً)

فرزند ارجمند مهر پیوند چندی است چشم بسواد خط تو روشن نگردیده نمیدانم سبب تعطیل در مکتوبات و تبدیل در اسلوب[4] چه میباشد تو که هر روز یرا هفته می‌پنداشتی و هر ماهی را سالی میانگاشتی و حال اینکه تا این روز نیست که آخر هفته است چند ماه است بلکه قریب یکسال میشود که شرح احوالات شما بما کاکان نرسیده البته این پست شرح حالات خودتان را مفصلاً مرقوم دارید

۱- بازشدن ۲- راحت شدن ۳- اتاق ۴- طرز

مراسلهٔ تهنیتنامه

قربانت گردم همواره از درگاه قادر ذوالجلال عزت و شوکت آن وجود محترم را خواهانم و طالب است ثانیاً رقیمهٔ شریفه که شارح[1] حالات و تبریکات آن وجود مسعود متعلق بغرهٔ ماه مورخه رمضان المبارک واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید چون مشعر بر سلامتی وجود مبارک بود کمال فرح و انبساط[2] رخ نمود خوشی بار روزگار دولت خورسند خاطرت اقبال همنشین و اجلال یاور تو باد راجع بمقاله[3] در خصوص خود بعزم عتبات عالیات مرقوم فرموده بودید البته بنا بر رأی مبارک که صلاح دانست مبارک و مقبول است

(رقعه در تبریک عروسی)

قربانت شوم امروز بشارت آن نوید میمنت مبارک اقدام بامر خیر فرموده اید بی اندازه مشعوف و مسرور شدم یقین است آنچه از جناب عالی بفعل آید تماماً مطلوب و پسندیده و شایان پس تمجید و تحسین است ولی میتوانم تصدیق نمایم که این اقدام خیر جناب عالی مراتب بر سایر اقدامات سابقه مزیت[4] دارد چیزی که مایهٔ تأسف این بنده گردیده همانا دوری و مهجوری از فیض حضور در هر حال با یک عالم مسرت تبریکات صمیمانه خود را تقدیم میدارد

۱- شرح دهنده ۲- خوشحالی ۳- گفته ها ۴- برتری

مراسلات جشنانه

قربانت شوم   چون امشب شب میمنت و مبارک شب زفاف عروسی جناب نجابت انتساب آقای میرزا حسنخان دام اقباله است بساط نشاط فراهم و مجلس عیش و طرب مهیا گشته هر یک از دوستان پای کوبان و دست زنان شرف حضور بهم رسانیده جنابعالی که از دیگران نسبت به ایشان بیشتر اختصاص دارید لازم است در این مجلس محترم هر چه زودتر تشریف فرمائی ارزانی فرموده دیده یاران را بجمال جهان آرا منور فرمائید ایام بکام باد

(دعوت مهمانی)

فدایت شوم   مدتها بود که شایق و آرزومند بودم که شبی را با حضور عالی بروز آورده مراتب ارادت و مودت خود را کاملا مشهود[1] و فیوضات و لذات روحانی را از فیض[2] خدمت و درک صحبت سرکار عالی تکمیل نمایم متاسفانه بواسطه پاره محظورات[3] تا ادراک این سعادت نائل نمیگردیدم اکنون که بحمدالله فراغت حاصل و موجبات معیشت من جمیع الجهات فراهم است مستدعی است بذل تفقد[4] فرموده امشب این مخلص مشتاق را سرافراز و از فیض حضور عالی قرین اعزاز و امتیاز[5] فرمائید

۱- معلوم ۲- جمیع فیض ۳- موانع ۴- مهربانی ۵- برتری

در دعوت عقدات

چون بمیمنت و مبارکی و تائیدات امام عصر عجل الله تعالی فرجه برای جناب آقای میرزا فرج الله خان در منزل جناب مستطاب اجل آقای میرزا غلامعلیخان دام اقباله در روز چهارشنبه سه ساعت بغروب مانده مجلس عقدی منعقد خواهد شد چون آقای میرزا فرج الله یک اختصاص[1] علیحده بجناب اجل عالی دارند متمنی است محض شرافت و تزیین[2] مجلس مزبور در یوم و ساعت مذکور تشریف قدوم ارزانی فرموده از صرف شربت و شیرینی قرین امتنان فرمائید

(دعوت مجتهد برای عقد)

بعرض مقدس عالی میرساند چون در ظل[3] عنایات و الطاف امام عصر عجل الله تعالی فرجه بتوجهات کامله حضرت مستطاب عالی دامت برکاته در روز ... چهار ساعت بغروب مانده بجهة جناب فخامت نصاب آقای میرزا غلامحسینخان در بنده منزل مجلس عقدی منعقد است   مستدعی است بذل مرحمت[4] فرموده در روز و ساعت مذکور تشریف قدوم ارزانی فرموده از صرف چائی قرین امتنان و از بروز راجود[5] انفاس قدسیه حاضرین را مستفیض و صیغه عقد را جاری فرمائید

۱- مخصوص ۲- زینت ۳- سایه ۴- بخشش

در شکایت از ترک مراسلات

قربانت شوم ... انشاء الله مزاج کثیر الابتهاج را ملالی عارض نخواهد شد ضمناً در طی مراسم دعاگوئی عرضه میدارد که این بنده را جز رنج دوری آن یار عزیز ملال صورت وقوع نداده مدتی زمانی است که ارادتمند خود را از نظر لطف انداخته و بارسال مرقومات ملاطفت آیات که محتوی آن مژده سلامتی و کذا از نشاط باشد بذل[1] توجهی نفرموده و دیده مهجوری را با انتظار گذارده اند و حال آنکه کاملاً امیدوار بودم که بنده دیرین را از نظر لطف فراموش نخواهید فرمود در هر حال امیدوارم من بعد بر خلاف مافات اغلب اوقات بوصول مرقومات شریفه باد و شادم فرمائید یار یاران[2] یار را میمون بود خاصه کان لیلی و این مجنون[3] بود

۱- بخشش ۲- خوب ۳- پریشان

رقعه در تقاضای رجوع خدمت

تصدقت گردم چون همواره نیت[1] مقدس عالی را معطوف برعایت احوال عموم ارادتمندان صمیم[2] میداند لهذا مستظهراً مصدّع[3] اوقات حضرت عالی گردید چندین سال است که این ارادتمند با کثرت جمعیت بیکار روزگار در نهایت تنگی و عسرت[4] میگذرد بفضل الله تعالی با بشیر فتحی برای جناب اجلّ عالی حاصل است مستدعی است باقتضای فطرت پاک و نیت تابناک رعایت[5] احوال ارادتمند را فرموده در یکی ادارات دولتی مقتضی بدهند توصیه[6] فرمائید که از توجه و مرحمت جناب اجلّ عالی از رنج بیکاری آسوده و باندک حقوقی که مقرر فرمائید قناعت نموده دعاگو باشد زیاده جسارت است

(رقعه دعوت)

فدایت شوم مشتاقی[7] و صبوری[8] از حد گذشته یارای زیارت حضور مبارک را زاید از حد تصور مشتاق و آرزومندم چنانچه برای توجه محترم مقتضیات تشریف فرمائی موجود و مانع مفقود[9] است متدعی است محض حال مهر و عطوفت[10] عاجلاً سرافراز و قرین شرف امتیازم فرمائید منتظر قدوم میمنت لزوم

۱- خیال ۲- قلبی ۳- اذیت ۴- تنگی ۵- سرپرستی ۶- سفارش ۷- آرزومندی ۸- صبر شکیبائی ۹- گم شده ۱۰- فوری

در تسلیت

قربانت شوم حقیقةً این قضیهٔ[1] فاجعه و مصیبتی که علی الغفله در غیر انتظار برای آن فامیل[2] محترم واقع گردید نه تنها جناب مستطاب عالی و آن فامیل محترم را محزون گردانید بلکه بیگانگان را از این حزن ملول و محزون ساخت در این موقع یقین است مخلص دیرین با آن عالم الفت و دوستی و روابط و اتحاد معنویکه با آن مرحوم مغفور طاب ثراه داشتم چه گذشته و آنی نمیگذرد که حقوق ثابته آن مرحوم در نظرم جلوه ننماید که مستغرق[3] دریای حزن و اندوه نگردم ولی از آنجا که در تهاجم[4] لشکر قضا جز تسلیم و رضا چاره[5] و گریزی نیست گرچه خاطر محترم عالی مشحون از انوار حکمت و عارف مراتب علم و معرفت است عرض تسلیت بدلایل و براهین عقلی و نقلی همانا آموختن حکمت بلقمان است ولی تذکاراً این بنده هم باقتضای مراتب مودت یادآور می شوم که در مصیبت واقعه جزع و فزع بیمورد و اظهار شکر و رضایت موجب اجر جمیل و جزای جزیل خواهد بود امیدوارم تا آن مرحوم در خاک مغفرت خفته خداوند متعال جناب مستطاب عالی و سایر آن فامیل جلیل را پاینده بدارد

۱- ذائقه ۲- خانواده ۳- غرق ۴- هجوم ۵- چاره

رقعهٔ چیستانه

قربانت شوم پیوسته خبر دیدارت بچیزی مایل بود چه سلامتی وجودت از خداوند متعال سائلم[1] ایام مفارقت طولانی شده و رنج مهاجرت بدراز کشید مشتاق و مهجوری از تو چنانم که گر دست بخواهد رفت پایان شکیبائی[2] دائم که از این بستان شاداب تمنیات[3] در باب ضعیفان را در وقت توانائی عجالتاً بدین چند کلمه جسارت و اظهار حیات شد تا بدانید که هنوز نفسی باقی است مستدعی است بدو کلمه از مرقومات یاد و شادم فرمائید

(در مراسلات تجارتی)

بعرض عالی میرساند اولاً امیدوار است که مزاج کثیر الابتهاج مبارک قرین[4] عافیت و سلامت بوده باشد ثانیاً تعلیقه مبارک زیارت نمودم چون حاوی و محتوی[5] سلامتی وجود مبارک بود کمال خورسندی را داشتم گذاری قیام[6] نمودم اجناسی که در جزوه فهرست قبلی مذاکره نموده ام صورت آنها بقراری است که در کتابچه مسطوره باادرسی آنها فرستادم آنچه در آنجا نقداً موجود بود ابتیاع[7] و فوراً ارسال و بقیه را بزودی تهیه فرموده بتدریج روانه خواهید داشت و چند قلم هم جنس دیگر علیحده قلمی شده آنها را نیز سریعاً خریداری روانه فرمائید که حکماً اهمیت را دارد البته حتماً شنیده ام که در این باب تعلل و مسامحه نشود

۱- خواهانم ۲- صبر ۳- تازه ۴- نزدیک ۵- دارای ۶- ایستادگی ۷- خریداری

رقعه تاجری بطرف خود

قبله گاها فدایت شوم مرقومه شریفه مورخه ۸ جمادی الثانیه زیارت شد بشارت
سلامتی وجود محترم عالی موجب حصول مسرت گردید شرحی در خصوص وصول یک بقچه شال ترمه
و یکصد و پنجاه طاقه عبای نائینی مرقوم و ضمناً از بابت قیمت آنها اشعار شده بود
که خیلی گران تمام میشود اولاً گمان میکنم در خاطر شریف از اطلاعات بنده در امر
معاملات مخصوصاً در نرخ اجناس تجارتی بخوبی مستحضر و مسبوق باشید و نیز بدیهیست که
بنده کسی نیستم در معاملات تجارتی مغبون بشوم و ثانیاً گویا بنده تقدیرها رعایت
شرف و حفظ امانت و دیانت خود را داشته باشم که در مقام وکالت
صرفه طرف را منظور و توجهات خود را بطرف خیانت معطوف ندارم
استدعا دارم برای اطمینان قلب حضرتعالی توسط بعضی از معتمدین خود
تحقیقات لازمه بعمل بیاورید پس از آنکه صدق عرایض بنده در این
موضوع مکشوف شد من بعد مال التجاره را که بنده ارسال میدارم ایراد نگیرید
همه روزه وصول مرقومات و مجاری گذارشات را منتظرم زیاده عرضی ندارم

صورت بروات تجارتی

بعرض میرساند انشاءالله وجود محترم عالی بهبود است گذارشات بقراریست که
بابت هفته گذشته بعرض رسانیدم مبلغ دویست و پنجاه تومان در اینجا از
جناب فخامت نصاب آقا میرزا محمد علی یزدی دریافت نموده ام جنابعالی حضرت
کشیده پانزده یوم بعد از رؤیت برات مبلغ مزبور را در وجه مشارالیه امداد
کارسازی فرمائید بتاریخ ۹ شهر ربیع الثانی ۱۳۴۳

(ایضاً برات)

دوستا از جمیع بدا امیدوار است که همواره مزاج مبارک قرین صحت و استقامت
بوده باشد ضمناً عرض میشود عالیجاه مجدت همراه آقا میرزا محمد خان تاجر مقیم
دار السلطنه تبریز نوشته مبلغ هشتصد و پنجاه تومان نقد خود را بانجانب داده
برات بحواله کرده جنابعالی دریافت نموده است مستدعی چنانست که علی الورود
بمجرد رؤیت برات مزبور مبلغ مذکور را در وجه مشارالیه کارسازی نمائید
بتاریخ ۶ رجب المرجب سنه ۱۳۴۴ اقل الحاج محمد تبریزی

در مراسلات مدارس

رقعه یکی از شاگردان بهمکلاسی خود

فدایت شوم آقای محترم من میرزا علینقیخان بر حسب دعوت فردا که روز جمعه ۲۷ رجب المرجب است به بنده منزل تشریف بیاورید چنین مجلس بدون تشریف جنابعالی رونق و صفائی ندارد مستدعی است جنابعالی هم از بندگان آقای ابوی اجازه حاصل فرموده تشریف بیاورید که بر اعتبارات بنده افزوده خواهد شد زیاده عرضی ندارم

(رقعه پدر در سفارش پسر)

خدمت جناب .... آقای ناظم مدرسه علمیه شرف بنده زاده میرزا غلامرضا خان بملاحظه اینکه دیشب جمعی از اقوام در این بنده منزل دعوت داشتند و مشغول پذیرائی بود مجال اینکه تکالیف مدرسه را از درس و مشق بجا آورد نداشت خواهشمندم او را عفو بفرمائید و این جانب واسطه بنده زاده شده ام عفو خواهید فرمود کمال تشکر و امتنان را دارم والسلام

رقعه یکی از شاگردان به [illegible]

فدایت شوم انشاءالله مزاج شریف عالی بسلامت مقرون خواهد بود بجان عزیزت قسم است از روزیکه سرکار تشریف برده اید بقدری به بنده سخت و ناگوار گذشته که از عاجزم نمیدانم آقای ابوی سرکار چه ملاحظه فرمودند که شما را از این مدرسه خارج نمودند و حال آنکه ترتیبات مدرسه نسبت به خیلی بهتر شده و قابل تمجید گردیده اگر ممکن است باز با مدرسه عودت فرمائید خیلی بجا و مناسب است خواهشمند از سلامتی خودتان مرقوم فرمائید زیاده قربانت

(رقعه در تقاضای کتاب)

حضرت عزیزم چند روز است در بچه کتاب جنابعالی مفقود شده چون سرکار کتاب جناب خودتان را فعلاً لازم ندارید تمنا دارم چند روزی برسم امانت به بنده التفات کنید تا که برای خود کتاب جدید بدارک کنم آنوقت کتاب جنابعالی را با امتنان تمام تقدیم خواهم

در مطالبهٔ کتاب

فدایت شوم سرکار کتابی را که از بنده برسم امانت
گرفته بودید با اینکه میدانم دیگر لازم ندارید تعجب
دارم که چرا پس نفرستادید چون خود بنده لازم دارم
خواهشمندم بدون تأخیر اعاده بدهید زیاده
زحمت است مطلبی ندارد والسلام

(رقعهٔ پسر بپدر)

خداوندگارا تصدقت شوم چندی است که ماهانهٔ مدرسه
و مقرری خود چاکر بعقده تأخیر و بذل مرحمت نشده است و همه
روزه از طرف جناب مستطاب آقای مدیر مطالبهٔ اساس
ملزومات تحصیلیهٔ خود بنده نیز لنگ است و بااین جهت از
عهدهٔ تکالیف مقررهٔ مدرسه برنمی آیم استدعا دارم ماهانهٔ مدرسه و
مقرری چاکر را مرحمت فرمائید که در امر تحصیلات چاکر سکته وارد نشود

جواب

فرزند گرامم کاغذ شما را ملاحظه کردم نسبت بتأخیر
ادای ماهانهٔ مدرسه و مقرری خودتان نوشته بودید حق دارید
خیلی غفلت شده است الساعه بغلام رضا تحویلدار
سپردم که هم ماهانهٔ مدرسه را بدهد و هم مقرری
شما را که در کار تحصیل شما نقصی وارد نیاید

(رقعه در احوال پرسی مریض)

فدایت شوم شنیدم که مزاج شریف را خدای نخواسته کسالتی
عارض شده بملاحظهٔ گرفتاری مجال تشرف فیابی و عیادت
دست نداد لهذا بوسیلهٔ این ذریعه در مقام استعلام
برآمدم خواهشمندم مژدهٔ بهبودی را مرقوم داشته
مسرورم فرمائید بلکه امیدوارم از درگاه رب العزت
بکلی رفع کسالت از آن وجود محترم شده باشد زیاده عرضی ندارم

رقعهٔ دعوت مهمانی

فدایت شوم   امشب لطفاً جمعی از منسوبان و دوستان بنده را سرافراز
میفرمایند چون بنده منزل اختصاصی بخصوص جنابعالی دارم تمنا دارم جنابعالی
هم تشریف قدوم ارزانی فرموده از فیض حضور خودتان مسرورم فرمائید

(رقعهٔ برادر بخواهر)

همشیرهٔ محترمهٔ عزیزم   نرفت تا تو برفتی خیالت از نظرم برفت در همه عالم
بجود خبرم   بموی عزیزت قسم است از روزیکه سرکار تشریف برده اید آنی
از خیال شما آسوده نمیباشم   چنان دوری آن وجود عزیز بنده مؤثر
واقع شده که اگر واقعاً انصراف خیال دست دهد چندی نمیکشد که اثری از
من بنده نخواهد ماند   در هر حال استدعا دارم برای تسلی خاطر بنده
سرچاپار از سلامت حالات شریفه مسرورم فرمائید
دلخوشی بنده فقط بزیارت مرقومات سرکار علیه است
اهل البیت هر یک بعرض سلام مصدع اند زیاده است

عریضهٔ برادرزاده بعموی خود

تصدقت شوم   با مراتب مراحم و التفاتی که حضوراً همیشه اوقات نسبت بمخلص کم
مبذول میفرمائید خیلی محل حیرت و عجب است که از زمانیکه تشریف برده اید ابداً یادی از چاکر
نفرموده و بصدور مرقومه مفتخرم نداشته اید و حال آنکه انتظارات چاکر غیر از این بوده
است این مسئله را هیچ چیز نمیتوان حمل کرد الا بدبختی خودم با این حال چه از طرف ذات حضرتعالی
بذل مرحمت نسبت بچاکر بشود یا نشود چاکر از وظایف حدود خود تجاوز نکرده در عالم
چاکری بمراسم خدمتگذاری و دعاگوئی وجود مبارک جاهد و ساعی خواهم ولیکن
شرط بزرگی و آقائی حضرتعالی هم نیست که گاهی بوسیله از وسایل چاکر را قرین افتخار و مباهات فرمائید

(جواب)

فدایت شوم   رقیمهٔ شریفه زیارت شد از اینکه دعوتم فرموده اید کمال تشکر
و امتنان را دارم ولی بدبختانه برای بنده کاری پیش آمده است که مجال
شرفیابی نیست خیلی معذرت میخواهم   انشاء الله اگر عمری و فراغتی
باشد در موقع دیگر شرفیاب میشوم   زیاده قربانت والسلام

مصالحه نامچه

مصالحه صحیحه شرعیه نمود عالیجاه عزت همراه آقا میرزا محمد حسن ولد آقا
محمد علی تمامی دعاوی و حقوقی را که بابت شرکت دکان بزازی از دعاوی داشت
بر جناب آقا میرزا محمد تقی عموزاده مشار الیه بمبلغ پنجاه تومان وجه رایج و پنج
سیر نبات معموله مأخوذ و مقبوض مصالح مزبور گردید و صیغه صلح بین و کیلی
الطرفین جاری و واقع گردید هر گاه من بعد ادعا و گفتگوئی بر آید بعون از درجه
اعتبار ساقط است و غیر مسموع شرع خواهد بود و کان ذلک فی فلان

(صورت بارنامه)

خدمت سرکار عمدة التجار و الاعیان ارباب غلامحسین زید مجده
فدایت شوم اجناسی که خریداری فرموده بودید مفصله ذیل را بهمراهی عالیشان عزت
همراه مشهدی غلامحسین مکاری حمل دار ارسال نمودم و مبلغ ده تومان هم پیشکرایه
بایشان داده شد البته هنگام وصول تتمه کرایه را بایشان دادهید
و بموجب این بارنامه اجناس را دریافت بفرمائید

سند را باین طریق نویسند

طلب جناب مستطاب اجل عالی آقا میرزا حسینخان میرپنجه دام اقباله العالی اینجانب
ارمی آقا میرزا محمد علی مبلغ دویست و پنجاه تومان وجه رایج معمولی مملکت ایران که از
حال التحریر لغایت مدت یک سال هلالی طلب مشار الیه را بدون مسامحه
کارسازی دارم بتاریخ فلان سنه فلان

(در اجاره نامچه)

باجاره صحیحه شرعیه داد عالیجاه عزت همراه آقا میرزا محمد علی خان ولد مرحوم مغفور
آقا میرزا ابو القاسم خان طاب ثراه بعالیجاه رتبت ستوده خصلت آقا میرزا نصر الله
خلف صدق آقا میرزا فتح الله همگی و تمامی ششدانگ خانه ملکی متصرفی خود را که
واقعست در محله سنگلج و محدود است بحدود اربعه ذیل از حال التحریر لغایت مدت
یک سال کامل هلالی بمال الاجاره بمبلغ دوازده تومان وجه رایج معمولی
از طرف شمال فلان | از طرف جنوب فلان | مغرب فلان | مشرق فلان
مملکت ایران که انشاء الله وجه مزبور را از قرار قسط الشهور ماهی یک تومان بپردازد
و کان تحریر ذلک تاریخ فلان سنه فلان

در حجت شرعی

مبلغ یکصد و چهل و پنجاه وجه رایج مملکت ایران جدید الضرب مسکوک بسکهٔ اعلیحضرت
سلطان رضا شاه پهلوی خلد الله ملکه از مال خاص خالص عالیجاه مجدت همراه آقا میرزا
صادق خان زید عزه بر ذمه و عهده این اقل دین ثابت و لازم شرعی است که انشاء الله از حال التحریر
تا انقضاء مدت شش ماه هلالی وجه مزبور در وجه مشار الیه کارسازی خواهد شد و کان ذلک بتاریخ فلان

(در قبولی اجاره)

قبول اجارهٔ صحیحه شرعیه نمود عالیمرتبت ستوده خصلت آقا میرزا نصر الله خلف
صدق آقا میرزا فتح الله از عالیجاه عزت همراه آقا میرزا محمد علیخان ولد
مرحوم میرزا ابو القاسم خان طاب ثراه همگی و تمامی شش دانگ خانهٔ واقعه
در محله سنگلج محدود بحدود اربعه ذیل را از حال التحریر لغایت مدت یک سال
از طرف جنوب بخانه فلان شمالاً بخانه فلان مغرباً بخانه فلان مشرقاً بخانه فلان
کامل هلالی بمال الاجاره مبلغ دوازده تومان وجه رایج معمولی مملکت ایران
که از قرار قسط الشهور ماهی یک تومان بمشار الیه کارسازی نماید و صیغه
صحیحه شرعیه واقع گردید و کان ذلک بتاریخ فلان

در بیع شرط نامچه است

غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات آنستکه حاضر گردید
آقا محمد ولد آقا علی همدانی در محضر شرع مطاع دار الخلافه طهران و بعد جهت
مبایعه صحیحه شرعیه یکباب خانه ملکی متصرفی خود را که واقع در محله عود
لاجان است بجناب آقا میرزا محمد حسین بزاز ولد مرحوم حاجی محمد حسن
با تمامی توابع شرعیه و لواحق عرفیه بمال المبایعه مبلغ دویست تومان وجه
رایج مملکت ایران که در مجلس قبض و اقباض گردید و در ضمن العقد شرط
شد که هرگاه از حال التحریر الی انقضاء مدت دو سال کامل هلالی بایع مزبور رد
مثل الثمن را بمشتری مذکور یا بنایب مناب شرعی ایشان نماید
اختیار فسخ با بایع بعهد باشد والا اختیار فسخ
ساقط و بیع لازم است و قد جرت الصیغة العربیة
والفارسیه و کان وقوع ذلک تحریراً فی بتاریخ
دوازدهم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۴۳

در قسم نامه

حاضر عالی محفل شرع مطاع لازم الاتباع گردید عالیجاه مجدت همراه محمد رضا بیک مدعی
شده مبلغ یکصد و پنجاه تومان از قرار امت نصاب محمد خان طلب دارم و مدعی علیه اسمعیل را
بکلی منکر بود چون مدعی مذکور از اثبات دعوی خود عاجز بود و قسم نیز ارجاع بمدعی علیه بود مدعی
علیه پس از ادای مضمون قسم شرعی که حق شرعی مذکور فوق را از ذمه خود پس نماید علیهذا مدعی مذکور هرگاه
بعد از این در خصوص مدعی مزبور ادعائی نماید از درجه اعتبار ساقط است و مسموع نخواهد بود

در استفتاء نامه

قبله الانام مروج الاحکام حجة الاسلام دام ظلکم چه میفرمائید در این مسئله که زیدی
مالی را نزد عمروی بامانت گذاشته بعد از چندی بدون اینکه عمرو در محافظت مال امانت
عمرو بملاحظه حفظ آبروی خود بدون اینکه ابراز کند که مال امانت تلف شده است
مثل امانت را بزید بدهد آیا برای زید پس از اطلاع بتفصیل حقیقت این امر آنمال
مذکور شرعاً حلال است یا نه حکم شرعی را بیان فرموده در حاشیه این ورقه دو کلمه
مرقوم فرموده بخاتم شریف مزین نمائید متع الله المسلمین بطول بقائکم

در اجیر نامچه

اجیر شرعی گردید عالیشان عزت نشان آقا ابوالقاسم خلف مرحوم آقا محمد
قاسم بزاز برای عمل خیاطی عالیجاه عزت همراه آقا کربلائی محمد حسین خیاط ولد مرحوم
میرزا حسین خیاط که از تاریخ ذیل الی مدت یکسال کامل در ماهی بمبلغ
هشتاد و پنج تومان وجه رایج مملکت ایران مقطوعاً علی الشهور هر ماه مبلغ هشت تومان
و در پایان اخذ نموده بعمل خیاطی مشار الیه مشغول شود و هرگاه اجیر مزبور در شغل کار حاضر نشود یا
اینکه مستاجر مرقوم در پرداختن وجه اجرت از قرار قسط الشهور تخلف نماید اختیار فسخ با طرفین
بوده باشد و صیغه صحیحه شرعیه بشرط مذکور جاری گردید تحریراً فی شهر رجب سنه فلان

(در وکالت نامچه طلاق)

در تاریخ تحریر وکیل مطلق و نائب مناب شرعی خود گردانید عصمت پناه رقیه سلطان زوجه
جناب عوارف نصاب آقا میرزا حسین وفقه الله در خصوص مطلقه بطلاق خلعی نمودن
مشار الیها برادر خود جناب مستطاب آخوند ملا کریم سلمه الله تعالی را که جناب معزی الیه
وکیل مطلق و وکیل در توکیل است که بنحو مسطور طلاق شرعی عندمن یصح الطلاق
بسماعهم بدهد توکیلاً صحیحاً شرعیاً و کان وقوع ذلک بتاریخ شهر فلان

در قبولی اجاره

بصیغه صحیحه شرعیه اسلامیه اجیر نمود عالیجاه عزت همراه کربلائی محمد حسن خیاط عالیشان عزت نشان
آقا ابو القاسم خلف صدق آقا محمد هاشم بزاز برای خیاطی از تاریخ ذیل الی یکسال کامل هلالی بمال
الاجاره مبلغ معین شصت و پنج تومان از وجه رایج خزانه عامره که وجه مذکور را مقسطاً علی الشهور از قرار ماهی پنج تومان
و دو ریال باجیر مزبور ماه بماه بپردازد و هرگاه اجیر مزبور در عمل خیاطی کوتاهی ورزد یا اینکه مستاجر مزبور در
پرداختن وجه اجرت از قرار قسط شهور تخلف نماید اختیار فسخ با طرفین معهود باشد و کان فی تلک تاریخ فلان

(صورت استشهاد نامچه)

استشهاد و استعلام میرود از علمای اعلام و فقهای کرام و سادات ذوی العز و الا
حترام و سایر کسانی که در علم کامل و اطلاع شامل دارند بر اینکه باغ در انتهای
خیابان جنت گلشن از محلات دروازه قزوین است حدود و مساحت تخمیناً هزار ذرع
بیست و هفت سال است غیر از اینجانب کسی دیگر بعنوان سکونت در آنجا منزل ننموده یا خیر
هر یک از مؤمنین که علم دارند بمضمون لا تکتموا الشهادة آنکم در کلمه شهادات خود را
در این ورقه مرقوم دارند عند الله و عند الرسول اجر خواهند بود فی شهر فلان

صورت هبه نامچه

باعث بر تحریر این کلمات شرعیة الدلالات آنکه حاضر گردید در محضر شرع مطاع لازم الاتباع گردید
عالیجاه رفیع جایگاه مجدت همراه آقا میرزا محمد خان خلف رحمت و غفران پناه میرزا باقر خان علی
آبادی و هبه صحیحه شرعیه نمود در حالتیکه تمام آقا میرزا و عقل و صحت بود بالطوع و الرغبة مجرد ون
الاکراه و الاجبار یکی و تمامی املاک متصرفی خود را که واقع است در بلوک سقز محال کردستان بعالیجاه
فضایل مآب فخر انتساب میرزا کاظم خان همدانی در عوض معادل چهار هزار دینار وجه نقد رایج ایران است
بتاریخ فلان

(صورت مصالحه نامچه)

مصالحه صحیحه شرعیه ملیه اسلامیه نمود عالیجاه عزت پناه محمد رضا بیک علی آبادی ولد محمد
حسن علی آبادی یکی و تمامی شش دانگ خانه ملکی متصرفی خود را واقع در محله دروازه تهران است
بعالیجاه فخامت نصاب آقا حسن ساعت ساز خلف مرحوم حاجی صمد تهرانی بمال المصالحه پانصد تومان
وجه رایج مملکت ایران که نقداً فی المجلس اخذ و قبض نمود و ضمن العقد لازم ملتزم شرعی گردید که
اگر از تاریخ تحریر الی انقضای پنج سال فساد منکشف کرد و خود مصالح مزبور از عهده کمی ما ظهر
فساده برآید و علاوه بر آن عالیجاه متکفل بمصالح مزبور بلا عوض و مجاناً داده باشد صیغه
مصالحه شرعیه علی نهج الشرع المطاع ایجاباً و قبولاً جاری و واقع گردید و کان فی کتبه شهر فلان

صورت قباله خانه

غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات آنستکه حاضر شد در محفل بمحضر
شرع مطاع لازم الاتباع عالیجناب مستغنی الالقاب آقا میرزا
محمد هاشم ولد صدق آقا میرزا محمد کاظم کاشانی و بعد الحضور مصالحه
صحیحه شرعیه نمود بجناب مستطاب آقا محمد مهدی استرآبادی بیگا و بتمامی
ششدانگ یک خانه ملک خود را واقع است در محله چاله میدان من
محلات طهران و محدود است بحدود اربعه ذیل بمال المصالحه
مبلغ یک صد و پنجاه تومان نقداً فی المجلس اخذ کردید
و عقد مصالحه جاری شد بناء علیهذا خانه مزبور ملک طلق
و حق صدق متصالح مزبور است و برای او ست تصرفات
کتصرف الملاک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم و خود مصالح
مزبور ضامن درک شرعی است که انشاء الله تعالی
صورت قباله نامچه صحیح خواهد بود بتاریخ شهر فلان سنه فلان

صورت وصیت نامچه

غرض از تحریر و تسطیر این شرعیة الدلالات آنستکه در تاریخ
تحریر جناب عمدة التجار و الاشراف حاجی علی اکبر ولد مرحمت
پناه حاجی احمد اطاب ثراه حاضر دار الشرع مطاع گردید و بعد الحضور
در کمال عقل و شعور و صحت مزاج وصی خود کردانید عالیجاه فلان را
که بنظارت فلان فی وصایات موصی بموجب دفتر تمسکات شرعی حق
مهریه زوجه اش را بموجب قباله از متروکات ادا نماید و مبلغ پانصد
تومان از کل ماترک او ثلث ملاحظه نموده در ایام وفات در اربعین
بعد از متعارف خرج و مصرف نمایند و مبلغ فلان قدر
از بابت مظالم بفقرا بدهند و هشت سال صوم و صلوات
و یک صد عدد نماز آیات استیجار نمایند و باقی ترکه را علی فرض
الله بین الوارث قسمت نمایند الی مدت دو ماه جمیع متروکات
حتی ماکولات بجهته متردّدین مباحت بتاریخ شهر فلان سنه فلان

شراکت نامچه

غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات آنست که
در محضر شرع مطاع انور حاضر گردیدند عالیجنابان فضایل
مآبان و کمالات انتسابان آقائی آقا محمد حسن یزدی و آقا محمد جعفر
تبریزی الاصل و المسکن طهرانی و بعد الحضور هر یک
حصه از مال خاص خالص خود را که عبارت از پانصد تومان رایج
خزانه عامره است بالتسویه و بالمناصفه بعنوان شراکت در
هم ممزوج و مخلوط نمودند که انشاء الله بعنایات خداوند تبارک
و تعالی در دکان نشسته مشغول عمده سقط فروشی شوند و آنچه از
منافع و مضار عاید طرفین شود مابین بالتسویه و بالمناصفه
تقسیم نمایند و کذا هر یک بالتسویه از اجناس دکان را
تصنیف نمایند و صیغه مبارکه اشتراک در بین ایشان
جاری و واقع گردید بتاریخ بیست و دویم شهر ج ۲ سنه فلان

ایضاً شراکت نامچه

حاضر شدند در محضر شرع مطاع واجب الاتباع عالیجناب فضایل مآب آقا میرزا
محمد رضا و عالیشان عزت نشان آقا محمد باقر و اظهار نمودند که هر یک از مال
خاص خالص خود مبلغ یکصد و پنجاه تومان وجه نقد رایج خزانه عامره بعنوان
شراکت در هم ممزوج کرده و باهم در حجره تجارت مشغول داد و ستد و کاسبی باشند
و در ضرر و منفعت هر چه حاصل شود بالمناصفه با یکدیگر تقسیم نمایند و عقد
شراکت در بین ایشان جاری و واقع گردیده و کان ذلک فی تاریخ فلان

(صورت آزاد نامه)

باعث بر تحریر این کلمات شرعیة الدلالات آنکه در بهترین وقتی از
اوقات عالیجاه رفیع جایگاه مجدت و نجدت همراه آقا مصطفی خان
ولد مرحوم مرتضی قلیخان یکنفر غلام سیاه خود را که بسن بیست و پنجسال است
و مسمی بحاجی بشیر طوق رقیت را از گردن او برداشته طلباً لمرضات الله
در راه خدا آزاد نمودند بناءً علی هذا احدی را بر حاجی بشیر مزبور ادعای
مالکیت نیست و از این بعد رها دیده و مطلق العنان است. بتاریخ فلان

صورت عقدنامه

الحمد لله الذی احلّ النکاح وحرّم الزنا والسفاح وصلّی الله علی خیر خلقه محمد
وآله الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین **امّا بعد** بنا بر نص دلیل ساطع
و برهان قاطع آیه شریفه کریمه وانکحوا الایامی منکم والصالحین من عبادکم
وامائکم یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم لهذا در بهترین وقتی
از اوقات و سعدترین ساعتی از ساعات میمنت و مبارکی بزینت همیشگی عقد دائم
در آمد جناب عمدة الاجلّه والتجار آقا میرزا محمد تاجر بوشهری بوکالت جناب فخر التجار الاشراف
حاجی محمد حسن زرینه باف مر نفس نفیس علیا جاه خدارت دستگاه العاقلة البالغة
الرشیده الباکره الکامله حمیده خانم بنت مرحوم مغفور رضوان جایگاه آقا محمد علی تاجر رازی
را بوکالت ایها المسطور بصداق معین و مهر مبین مبلغ دویست و پنجاه تومان وجه رایج ممالک
ایران صانها الله عن الحدثان که تمام مبلغ بور بر ذمه ناکح مذکور دین شرعی است انشاء الله
عند القدره والاستطاعه بمشار الیها کارسازی نماید و صیغه مناکحه مبارکه میمونه دائمه
ایجاباً و قبولاً جاری و واقع گردید بتاریخ فلان اللهم الف بینهما وطیب نسلهما بحق محمد و آله

در طلاق است

مطلقه نمود عالیشان عزت نشان آقا مشهدی محمد صادق نجار خلف مرحوم کربلائی نصرالله
سمسار طاب ثراه زوجه معقوده دائمه مدخوله بهار خود رقیه خانم بنت مرحوم کربلائی حسن
دست فروش را در محضر جمعی از عدول باجتماع جمیع شرایط طلاق بطلاق رجعی در تاریخ ذیل
بناء علیهذا پس از انقضای عده مقرره در شرع انور مسماة مسطوره مختاره است هر یکی از
مسلمین را که بخواهد شوهر کند و قد اجریت الصیغه بالعربیه والفارسیه بتاریخ ۱۲ شهر رجب سنه فلان

(قسم دیگر وکالت طلاق)

باعث بر تحریر این ورقه آنکه عالیمقدار آقا محمد تقی خلف مرحمت پناه محمد قلی
وکیل شرعی خود گردانید جناب مستطاب شریعتمدار آقا میرزا عباسعلی مطلق سلمه الله را
در باب مطلقه نمودن زوجه ممسوسه مشار الیها طهارت آداب زینت بیگم را در
در عوض و مقابل نصف مهریه خود که عبارت از دوازده تومان است عند
من یصح الطلاق سیما عهم مطلقه بطلاق خلعی نماید و مسماة مرقومه
حاضره بعد از اقرار بطهر غیر مواقعه نصف مهر المسمّی فی العقد را ابراء و بخشید و جناب
مستطاب معزی الیه سلمه الله را وکیل در بذل نصف مهر مزبور نمود که مطلقه بطلاق خلعی نماید و کان ذلک فی تاریخ

در وکالت نامچه

حاضر دار الشرع انور گردید عالیحضرت ستوده خصلت آقا میرزا ابراهیم و
بعد الحضور وکیل مطلق و نائب مناب شرعی خود گردانید عالیجناب
فضایل مآب آقا میرزا اسمعیل ولد میرزا یوسف طاب ثراه را در باب
دعاوی ایشان با ورثه مرحوم مبرور میرزا یحیی خان دارند در محضر مبارک
حکام شرع وکالة از جانب مشار الیه با مدعی علیه گفتگو نمایند
و وکیل مزبور در قطع و فصل و مصالحه و مرافعه هرچه رأی
بدهند ممضی و متبع است و در توکیل غیر هم وکیل و مجاز است بتاریخ فلان

(صورت باطل نامه)

در تاریخ ۱۳۲۵ یک طغرا تمسک مبلغ صد تومان که از عالیجاه فلان طلب داشتم در نزد
اینجانب مفقود شده و چه سند مزبور را در تاریخ تحریر با مراجعه بالتمام دریافت نمودم
بعد از این هرگاه سندی و اثری باین فقره از خود فدوی یا کسی دیگر ابراز شود از درجه اعتبار ساقط
و لغو است و این ورقه را بجناب فلان دادم که سند هر وجه حق بجانب او است بتاریخ فلان

صورت وقفنامه است

الحمد لله الواقف علی السرائر والمطلع علی الضمائر والصلوة والسلام علی خیر خلقه
محمد و آله الطاهرین و علی اوصیاء المرضیین الذینهم شفعاء یوم الدین و بعد بتوفیقات
ربانی و تائیدات سبحانی شامل حال خیریت مآل جناب افتخار الحاج حاجی میرزا مهدی
آقا تاجر شیرازی گردید قربة الی الله و طلباً لمرضات الله وقف مؤبد ملی و حبس مخلد اسلامی نمود تماماً
شش دانگ قریه فتح آباد واقعه در جنوب شرقی طهران را با جمیع توابع شرعیه ارضاً
و اعیاناً و قنوات و انهار بدون استثناء بانضمام شش دانگ کاروانسرای واقعه در راسته بازار
محدوده بحدود اربعه تیمچه مهدی قلیخان مبیناً بحمام جهان کبر یک دانگ که منافع سالیانه آنها را
متولی وقف بعد از وضع مخارج لازمه که سبب بقاء عین موقوفه میباشد و بعد از وضع یک عشر
از منافع باقیه که حق متولی است البقیه را صرف تعزیه داری حضرت سید الشهداء علیه و علی ابائه التحیة والاکرام
بهر که صلاح بداند نماید و تولیت وقف مادام الحیات با خود واقف و بعد با اولاد ذکور نسلاً بعد نسل
و دیانت صیغه وقفیت بنهج مذکور جاری و واقع گردید فمن بدله بعد ما سمعه
فانما اثمه علی الذین یبدلونه تحریراً بتاریخ بیست و پنجم شهر ذی القعدة الحرام سنه فلان

صورت قبوضات

الولی قبض رسید — الولی قبض رسید

بتوسط جناب آقای میرزا محمد سلمه الله تعالی بابت وجه — بتوسط جناب آقای میرزا اعلاحسین خان مبلغ پنجاه تومان

اجاره خانه شهر محرم الحرام مبلغ ده تومان تمام وصول گردید — بابت مال الاجاره یک باب دکان عاید گردید

[illegible]

مبلغ ده تومان [illegible] تحریر گشت

بتاریخ غره شهر صفر الخیر سنه ۱۳۴۴

مبلغ پنجاه تومان [illegible]

غره شهر ذی القعده الحرام سنه ۱۳۴۴

طلب — طلب

جناب جلالتمآب آقای میرزا اعلاحسین خان

از این جانب از حال تحریر لغایت [illegible] روز دیگر [illegible] دارم

مقرر است

مبلغ [illegible] چهل تومان گشت

بتاریخ ۱۲ شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۴۴

جناب مستطاب آقای میرزا حسین خان ایرانی

بنده مبلغ ده تومان وجه رایج که از حال تحریر لغایت بیست روز دیگر کارسازی نمایم

بتاریخ ۱۶ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۴۳

در علم سیاق

در بیان علم سیاق و ارقام نقدی

بدانکه اصل صورت آن بر چند قسم است

اول از یک دینار است تا نه دینار و آن را بدین صورت نویسند

[illegible]
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

دویم از ده دینار است تا نود دینار و بدین صورت نویسند

[illegible]

سوم از صد دینار است تا نهصد دینار بدین صورت نویسند

[illegible]

چهارم از یکهزار دینار تا نه هزار دینار بدین صورت نویسند

[illegible]

چون با دینار مرکب شود بدین صورت نویسند

[illegible]

مرتبه پنجم

مرتبه پنجم از یک تومان است تا ده تومان بدین صورت

[illegible]

[illegible]

مرتبه ششم

از ده تومان است تا نود تومان بدین طریق

[illegible]

[illegible]

مرتبه هفتم

مرتبه هفتم از یکصد تومان است تا نهصد تومان بدین طریق

[illegible]

[illegible]

مرتبه هشتم

مرتبه هشتم از یکهزار تومان است تا نه هزار تومان بدین طریق

[illegible]

[illegible]

مرتبه نهم

از ده هزار تومان است تا نود هزار تومان بدین طریق

[illegible]

[illegible]

مرتبه دهم

مرتبه دهم از یکصد هزار تومان است تا نهصد هزار تومان

[illegible]

[illegible]

پانصد هزار تومان را یک کرور میگویند

علم سیاق در دفاتر ایران از این مقدار فوق بیشتر بکار نمیرود و بمبتدی بیشتر از این نمیتوان آموخت

— لازمست در این موقع از یک بیستی تا یک قران را بشاگردان مبتدی آموخت و در موقع بکار برند

بیست و پنج دینار (یکپول)	پنجاه دینار (یکشاهی)	هفتاد و پنج دینار (سه پول)
[illegible]	[illegible]	[illegible]

صد دینار (دو شاهی) صد و بیست و پنج دینار (پنج پول) صد و پنجاه دینار (سه شاهی)

دویست دینار	دویست و هفتاد و پنج دینار	دویست و پنجاه دینار
سیصد دینار	سیصد و پنجاه دینار	سیصد و هفتاد و پنج دینار
چهارصد دینار	چهارصد و پنجاه دینار	چهارصد و هفتاد و پنج دینار
پانصد دینار	پانصد و پنجاه دینار	پانصد و هفتاد و پنج دینار
ششصد دینار	ششصد و پنجاه دینار	ششصد و هفتاد و پنج دینار
هفتصد دینار	هفتصد و پنجاه دینار	هفتصد و هفتاد و پنج دینار
هشتصد دینار	هشتصد و پنجاه دینار	هشتصد و هفتاد و پنج دینار
نهصد دینار	نهصد و پنجاه دینار	نهصد و هفتاد و پنج دینار

طریقه نوشتن ارقام سیاق که باهم مرکب باشد بدین قسم است

یک تومان و یکهزار و صد و بیست و پنج دینار	پنج تومان و پنجهزار و پانصد و پنجاه و پنج دینار

دو تومان و شش هزار و ششصد و پنجاه و پنج دینار	چهار تومان و نه هزار و پانصد و پنجاه دینار
پنجاه و شش تومان و چهار هزار و دویست دینار	نود و پنج تومان و هفت هزار و چهارصد دینار
یکصد و بیست تومان و چهار قران	نهصد و هفتاد و پنج تومان و یک قران
یکهزار و پانصد و هفتاد و چهار تومان و نه هزار و پنجاه دینار	پنجهزار و چهارصد و چهل و یک تومان و دو قران
نه هزار و نهصد و نود تومان و یک قران	ده هزار و نهصد تومان و هشت هزار و پنجاه دینار
نه هزار و دویست تومان و چهار هزار و یکصد و پنجاه دینار	پانصد و بیست و پنج هزار و دویست و نود تومان و نه هزار و هشتصد دینار
یک هزار و صد و هشتاد تومان و هفت هزار دینار	نهصد و شصت تومان و شش هزار دینار

ارقام حساب جنبی و نوشتن آن به
طریقه نوشتن ارقام حساب جنبی

اولاً باید دانست که چهار گندم یک نخود است و بیست و چهار نخود یک مثقال و شانزده مثقال یک سیر است از یک مثقال تا شانزده مثقال را اینطور مینویسند

۱ مثقال	۲ مثقال	۳ م	۴ م
۵ م	۶ م	۷ م	۸ م
۹ م	۱۰ م	۱۱ م	۱۲ م
۱۳ م	۱۴ م	۱۵ م	۱۶ م

شانزده مثقال یک سیر است و ده سیر یک چارک میباشد و بدین صورت است

۱	۲	۳	۴	
۶	۷	۸	۹	۱۰

ده سیر را یک چارک هم میگویند و از یازده سیر تا بیست سیر که نیم من تبریز است این طور نویسند

۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
یازده سیر	دوازده سیر	سیزده سیر	چهارده سیر	پانزده سیر
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
شانزده سیر	هفده سیر	هیجده سیر	نوزده سیر	بیست سیر

از بیست و یک سیر تا سی سیر که سه چارک است بدین طریق نویسند

۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
بیست و یکسیر	بیست و دو سیر	بیست و سه سیر	بیست و چار سیر	بیست و پنج سیر
۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
بیست و شش سیر	بیست و هفت سیر	بیست و هشت سیر	بیست و نه سیر	سی سیر

و از سی و یک سیر تا چهل سیر را بدین طریق نویسند

۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
سی و یک سیر	سی و دو سیر	سی و سه سیر	سی و چهار سیر	سی و پنج سیر
۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
سی و شش سیر	سی و هفت سیر	سی و هشت سیر	سی و نه سیر	چهل سیر

چهل سیر یکمن تبریز است و آن ۶۴۰ مثقال است

مرتبه چهارم از یکمن است تا نه من و بدین قسم میباشد

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یکمن	دو من	سه من	چهار من	پنجمن
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
شش من	هفت من	هشت من	نه من	ندارد

مرتبه پنجم از دهم میباشد تا نودم و بدین شکل نویسند

دهم بیستم سیم چهلم پنجاهم

شصتم هفتادم هشتادم نودم

و مرتبه چهارم اگر با مرتبه پنجم ترکیب شود بدین قسم نویسند

یازدهم سی و یکم پانزدهم بیست و پنجم پنجاه و یکم

شصت و پنجم چهل و ششم هفتاد و دوم هشتاد و چهارم

مرتبه ششم

از یک صدم است تا نهصدم و آنرا یکخروار نیز میگویند

یکخروار دو خروار سه خروار چهار خروار پنج خروار

شش خروار هفت خروار هشت خروار نه خروار

مرتبه هفتم از ده خروار است تا نود خروار بدین شکل

ده خروار بیست خروار سی خروار چهل خروار پنجاه خروار

شصت خروار هفتاد خروار هشتاد خروار نود خروار

و چنین مرتبه ششم با مرتبه هفتم مرکب شود بدین شکل نویسند

یازده خروار پانزده خروار بیست و پنج خروار سی و چهار خروار چهل و شش خروار

هفتاد و شش خروار هشتاد و هشت خروار نود و دو خروار پنجاه و چهار خروار

هشتاد و دو خروار　نود و یک خروار　نود و پنج خروار　نود و سه خروار

مرتبه نهم

مرتبه از یکصد خروار است تا نهصد خروار باین طریق

یکصد خروار　دویست خروار　سیصد خروار　چهارصد خروار　پانصد خروار

ششصد خروار　هفتصد خروار　هشتصد خروار　نهصد خروار

مرتبه دهم

مرتبه دهم از یکهزار خروار است تا نه خروار بدین شکل

یکهزار خروار　دوهزار خروار　سه هزار خروار　چهار هزار خروار　پنج هزار خروار

شش هزار خروار　هفت هزار خروار　هشت هزار خروار　نه هزار خروار

مرتبه یازدهم

مرتبه یازدهم از ده هزار خروار است تا نود هزار خروار

ده هزار خروار　بیست هزار خروار　سی هزار خروار　چهل هزار خروار

پنجاه هزار خروار　شصت هزار خروار　هفتاد هزار خروار　هشتاد هزار خروار

نود هزار خروار

مرتبه دوازدهم

مرتبه دوازدهم صد هزار خروار الی نهصد هزار خروا

آما پانصد هزار خروار یک کرور میباشد

۱ الــــر ۲ الــــر ۳ الــــر ۴ الــــر

صد هزار خروار دویست هزار خروار سیصد هزار خروار چهار صد هزار خروار

۵ الــــر ۶ الــــر ۷ الــــر ۸ الــــر

پانصد هزار خروار ششصد هزار خروار هفتصد هزار خروار هشتصد هزار خروار

۹ الــــر

نهصد هزار خروار

دانستن شماره عدد بلغت عرب که از چه زمان نوع در میان آنها جاری شده

احد	اثنین	ثلاثه	اربعه	خمسه	سته	سبعه	ثمانیه	تسعه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
عشره	عشرین	ثلاثین	اربعین	خمسین	ستین	سبعین	ثمانین	تسعین
۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰

...ه	مائتین	ثلاثه مائه	اربع مائه	خمسه مائه	سته مائه	سبعه مائه	ثمانیه مائه	تسعه مائه
	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰

الف

۱۰۰۰

...م هفته بلفظ عرب بر این قسم است که مرقوم شده است

...السبت	یوم الاحد	یوم الاثنین	یوم الثلثا
...شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه
...الاربعا	یوم الخمیس	یوم الجمعه	
...شنبه	پنجشنبه	جمعه	

...جای یوم که بمعنی روز است لیله که بمعنی شب است که اریم شب آنروز معلوم شود باین الفاظ عرب است

...السبت	لیله الاحد	لیله الاثنین	لیله الثلثا
...شنبه	شب یکشنبه	شب دوشنبه	شب سه شنبه
...الاربعا	لیله الخمیس	لیله الجمعه	
...ارشنبه	شب پنجشنبه	شب جمعه	

با تمام رسید

جلد اوّل

انشاء جدید

با نظریّات آقای دبیر خاقان

از برای کلاس سوّم و چهارم ابتدائی

با دقّت کامل بطبع رسید

بکارخانه مجلّل فروش

بین الحرمین کتابخانه آقا مهدی کتابفروش

پور حسین



